

زنان در دور نخست مذاکرات مجلس شورای ملی (بخش سوم)

● اندر حکایت سکوت و فراموشی



● آنچه موجب شگفتی می‌شود، سکوت درباره‌ی موضوع جنجال برانگیز دختر فروشی در قوچان است.

سقوط نخستین کابینه‌ی قانونی

۱۲ ربیع‌الاول ۱۳۲۵، معاون وزیر داخله، دبیر الملک به مجلس فراخوانده شد و مورد بازخواست شدید نمایندگان مجلس قرار گرفت. دبیر الملک که می‌کوشید، سهل‌انگاری وزارت داخله را در بازگرداندن زنان و دختران از گردن وزیر افخم - وزیر داخله - باز کند، گنبدوبین رونو کسار را به عدم پذیرش رأی وزرا، توسط نمایندگان مجلس - مبنی بر پول گرفتن از آصف‌الدوله و سالار مخم، پیش از محاکمه و با آن پول اسیران را باز خریدن - نسبت می‌داد؛ دبیر الملک - از بابت اسرا یک اردوئی امیر اعظم زده و مشغول حرکت هستند و از قرار تلگرافی که امیر اعظم کرده‌اند پول لازم است و آن قرار داد را هم که وزارت داخله راپورت داده بود مجلس قبول نکرد که پول از آن دو نفر گرفته شود.

یکی از وکلای آذربایجان - هر جا یک کار عیب داری هست به گردن مجلس و مجلسیان می‌گذارند. یکی دیگر از وکلا چنین اظهار کرد - مطالبیکه بوزارت داخله رجوع شده وقتی ملاحظه نمائیم می‌بینیم گویا معنی مسئولیت را نمی‌دانند یا اینکه می‌دانند و طفره می‌روند در خصوص آصف‌الدوله حال قریب دو ماه است اینهمه مذاکرات شد چه اقدامی کرده‌اند.

شاهنشاه نمی‌گذارد پس چرا استعفا نمیدهند.

یکی از وکلا آذربایجان چنین عنوان نمود که... گویا ما یک تقصیری داریم و آن فراموش کاری است یک مسئله را می‌گوئیم سه ماه می‌گذرد و بحران میشود این مسئله استرداد اسرا در تمام روزنامه‌جات دنیا نوشته شده و باید ما تعقیب نمائیم و بگمان من مجازات مرتکبین مقدم است از

دبیر الملک - تمام محاکمات که با وزیر داخله نیست و محاکمات عدلیه که حالا نداریم اگر با عدلیه است دیگر دخلی بوزارت داخله ندارد از ما عزل حکومت بود که عزل کردیم...

یکی از وکلای آذربایجان چنین تقریر نمود که وزرا غیر از سرپیچانیدن کاری دیگر ندارند ما را از اعلیحضرت شاهنشاه معرض نمودند می‌گویند که اعلیحضرت

● یکی از وکلای مجلس: ... گویا ما یک تقصیری داریم و آن فراموش کاری است.

دختر فروشی در قوجان

استرداد اسرا.

یکی از وکلا اظهار کرد - مکرر عرض کرده‌ام که کاغذ و مرکب و قلم کار نمیکند این صحیح است مجلس باید قانون وضع کند و بنویسد ولی آن کاغذ مجری می‌خواهد کاغذ کار نمیکند امروز صراحت عرض میکنم این هیئت مجریه با این مجلس موافق نیست.

یکی از وکلا آذربایجان چنین عنوان نمود - تا حال ده دفعه دیده‌ام که این مذاکره استرداد اسرا بمیان آمده و حقیقه از حس اسلامیت خودمان تعجب میکنم واقعاً ترکمانها این زنها را برده‌اند و این همه مذاکره شد چه نتیجه‌ای گرفته‌ایم [؟]... آخر آنها هم خواهران ما هستند اگر حس اسلامیت داشته باشیم نباید ماها بخوابیم من نمیدانم چرا انقدر بی‌غیرت شده‌ایم چرا اسلامیت ما ضعیف شده است.^۲

گفت‌وگویی نمایندگان درباره‌ی بازگرداندن اسیران و سیاست مجرمان، تعیین مدت برای اقدام وزارت داخله در این باره، تقدم بازگردان اسیران بر سیاست مجرمان یا بالعکس، مشخص شدن اسم و رسم اسیران برای جلوگیری از قالب کردن گدایان خراسان به جای اسیران واقعی و... بدون دستیابی به نتیجه‌ای مشخص و قطعی تا شکل گرفتن آخرین اخطار به وزیر داخله و وزیر عدلیه ادامه داشت:

اولاً اشخاصیکه مظان ارتکاب هستند باید در محکمه عدلیه حاضر شده محاکمه شوند پس از ثبوت و تحقیق بمجازات برسند و این تحقیق و مجازات از تاریخ ذیل تا (۱۵) روز بیشتر طول نکشد ثانیاً وزارت داخله بترتیب صحیح اقدام در استرداد اسرا

نموده از تاریخ ذیل تا (۴۰) روز تمام استرداد شود و بهیچوجه عذر غیر موجهی پذیرفته نخواهد بود.^۳

سه روز بعد در ۱۶ ربیع‌الاول ۱۲۲۵، بارسیدن تلگراف‌های تسوان رعایای حاج آقا محسن عراقی از قم، به مجلس و اظهار تظلم و دادخواهی آنان و همچنین طرح دوباره‌ی وجود اشکال در توزیع نان، نمایندگان مجلس بار دیگر از بی‌کفایتی وزارت داخله به خشم و خروش آمدند. آنان که به روشنی دریافته بودند که وزرا و حاکمان و خوانین و در واقع دشمنان مشروطه و مجلس و مردم، همه دست در کاسه‌ی استبداد دارند؛ وزرا با چشم‌پوشی و سهل‌انگاری و حتا همیاری، جنایات حاکمان و خوانین را بی‌مجازات می‌گذارند و حاکمان و خوانین نیز در برابر با پرداخت رشوه، وزرا را تطمیع می‌کنند، می‌گفتند:

- [اگر وزرا] ده سال با ما همراهی کنند دارائی آنها مقابل دو سال حالا خواهد شد.

- وزیر داخله ما هنوز معنی مسئولیت را نفهمیده و نخواهد هم فهمید.

- مدتی است که وزرا محرک صاحبان تیول شده و می‌خواهند به همراهی آنان مجلس را از رسیدن به مقاصد و خواست‌هایش بازدارند... این تدبیریکه وزرا خیال کرده‌اند خدمت است یا خیانت...^۴ [؟]

به این ترتیب «کابینه‌ی وزیر افخم که نخستین کابینه‌ی قانونی به شمار می‌رفت، با همه‌ی نویدهایی که به مجلس داده بود بدرفتاری بسیار می‌نمود. وزیران با مجلس بی‌پروایی نموده دستورهای آن‌را به‌کار نمی‌بستند و به نامه‌های آن پاسخ نمی‌دادند. این بود که در مجلس همیشه گله و بدگویی می‌رفت»^۵

این وضعیت ادامه داشت تا این که آهسته

آهسته زمزمه‌ی عزل وزیر داخله، در میان نمایندگان مجلس اوج گرفت و سرانجام از میان ۹۰ رأی، با ۷۹ برگه‌ی سفید، ۱ برگه‌ی آبی، و ۱۰ رأی ممتنع، وزیر افخم معزول و کابینه‌اش سقوط کرد.^۶

کابینه‌ی جدید

کابینه‌ی جدید پس از بازگشت میرزا علی اصغرخان اتابک، به ایران تشکیل شد. او که به گفته‌ی کسروی «با روی خوشی که می‌نمود جز بدخواهی و دشمنی نمی‌نمود و با آن نویدها که می‌داد و سوگندها که می‌خورد جز برانداختن مشروطه را نمی‌خواست»^۷ در مسقام رییس‌الوزرای کابینه‌ی جدید را تشکیل داده و خود در این کابینه وزیر داخله شد.

در روز شنبه ۲۰ ربیع‌الاول ۱۲۲۵، اتابک پس نطقی درباره‌ی معاونت و معاضدت، اتفاق و اتحاد دولت و مجلس، کابینه‌ی جدید را به مجلس معرفی کرد. در کابینه‌ی جدید شازده عبدالحسین فرمانفرما وزیر عدلیه شد.

محتشم السلطنه، معاون وزیر داخله، روز پنجشنبه ۲۵ ربیع‌الاول ۱۲۲۵، برای رساندن پیام‌هایی از سوی اتابک در مجلس حضور یافت.

یکی از آن پیام‌ها درباره‌ی استرداد اسرا بود:

[وزیر داخله] فرمودند خواهش

شود که قبول زحمت نموده یک

کمیسیون ترتیب بدهید راپورتی

است بنظر برسد و از روی شور و

مشورت اقدام در این باب شود.

پس از آن که محتشم السلطنه، پیام وزیر داخله را درباره‌ی استرداد اسرا خواند، تقی‌زاده چنین گفت:

یکی دیگر مسئله مجازات آصف‌الدوله

است که مانده چون مسئله استرداد

اسرا با مجازات آصف‌الدوله را از هم

جدا کردیم باید سریعاً بمجازات

آصف‌الدوله اقدام شود.

● در گفته‌های شاکیان، آشکارا گونه‌ای پرهیز از روشن نمودن جنس اسرا و زن بودن آنان دیده می‌شود.

رئیس - بلی در چند روز قبل پس از مذاکره‌ی زیاد یادداشتی از طرف مجلس صادر شده بجهت استرداد اسرا (۴۰) روز مدت و برای محاکمه و مجازات آصف الدوله (۱۵) روز وقت معین گشته و برای وزارت داخله فرستاد شد.

حاج محتشم السلطنه - این چند روز که جناب وزیر داخله وارد شده‌اند... اقدام باصلاح کارها میفرمایند با رعایت الهم فالاهم... این (۱۵) روز مهلت که برای محاکمه و مجازات آصف الدوله معین شده در زمان وزیر داخله سابق بوده حالا باید باقتضای وقت تغییر داده شود.

تقی‌زاده - دو مطلب است که یکی برای مجلس از اهم امورات و یکی برای دولت اما اولی مسئله آصف‌الدوله است که مدت سه ماه یا بیشتر یا کمتر بمذاکره آن مشغول شدیم و در تمام روزنامه‌های دنیا نوشته شد حالا باید حکماً نتیجه برای این قرار بدهیم این است که بعد از مذاکرات زیاد و خسته شدن تا (۱۵) روز قرار شد محاکمه و مجازات آصف‌الدوله قطع شود حتی بنده تصریح کردم که تغییر وزارت ربط بوزارتخانه ندارد.^۸

اخطار

از طرف مجلس مقدس شورای ملی

پس از تشکیل کابینه‌ی جدید، مجلس در اخطاری از همگان می‌خواهد، هرگونه خبری که درباره‌ی فروش دختران و زنان کوچانی دارند، به آگاهی مجلس برسانند:

بعموم هموطنان و قاطبه‌ی نوع بشر از سکنه‌ی ایران و غیرهم از طرف مجلس مقدس (شورای ملی) اعلان میشود که هر کس از حال دختران و زنانی که در کلیه سرحدات خراسان بتراکمه فروخته‌اند یا اسیری برده‌اند مطلع است معلومات خود را کتباً با امضا و تعیین مکان اقامت خود نوشته

بوسائل ممکنه به مجلس محترم شورای ملی اظهار نماید تا از روی بصیرت اقدامات لازمه برای استخلاص نجات آنها بعمل آید.^۹

احضار آصف الدوله به تهران

پس از احضار آصف‌الدوله به تهران در ۲۲ ربیع‌الثانی ۱۳۲۵، مجلس در اعلان دیگری از آگاهان و شاکیان می‌خواهد، مراتب را به مجلس شورای ملی اطلاع دهند.

* از طرف مجلس محترم شورای ملی *
* اعلان انجمن عرایض *

چون بقانون دول مشروطه شرعاً و عرفاً حفظ حقوق و شرافت عموم اهالی لازم است و جمعی بموجب عرایض تلگرافی و کتبی از جناب متولی باشی قم و جناب آصف‌الدوله حکمران سابق مشهد مقدس شاکی و متظلم شده‌اند و محض رسیدگی و احقاق حق بر حسب امر مبارک همایونی هر دو شخص محترم احضار بطهران شده‌اند بنا باظهار نامه وزارت عدلیه در این مدت احدی از عارضین در دیوانخانه حاضر نشده و مطالب خود را پیشنهاد نکرده است.

لهذا اعلان میشود اشخاصیکه از جناب متولی باشی و جناب آصف‌الدوله شاکی و متظلم هستند اگر از تاریخ حال الی چهل روز دیگر یا خودشان یا وکیلشان در دیوانخانه عدلیه حاضر نشوند و تعرضات خودشان را کتباً اظهار نکنند که احقاق حق بشود بعد از انقضاء مدت مزبور اظهارات عارضین کان لم یکن و از درجه اعتبار بکلی ساقط خواهد بود و در این مدت چهل روز وکلای جناب متولی باشی و جناب آصف الدوله همه روز در صورت لزوم خودشان بشخصه در دیوان عدلیه حاضر خواهند بود بتاریخ ۲۲ شهر

ربیع‌الثانی سنه هزار و سیصد و بیست و پنج.^{۱۰}

در ۲۸ ربیع‌الثانی ۱۳۲۵، رقمی وزارت داخله و به همراه آن پاسخ آصف‌الدوله که تاکنون سکوت اختیار کرده بود، در مجلس قرائت شد. آصف‌الدوله که مجلس را برای پاسخ‌گویی به رسمیت نمی‌شناخت، اکنون پس از سقوط کابینه و پیگیری مجلس و مردم، اگر چه باز هم به طور مستقیم نام‌اش را به مجلس نمی‌فرستد و به وزارت داخله پاسخ می‌گوید ولی سرانجام به تحقیق و بررسی مجلس گردن می‌نهد:

البته میدانید که تهمتی باین بنده زده‌اند ابداً در خراسان تا حال چنین امری اتفاق نیفتاده شأن و غیرت ایل زعفرانلو و غیره بالاتر از اینهاست که نسبت فروش دختر بآنها داده شود یک نفر پیدا نشده بگوید در زمان سلطنت قاجاریه چنین کاری در خراسان اتفاق افتاده معهداً بجهت تحقیق بهرطور که مجلس صلاح بداند حاضریم.^{۱۱}

البته روشن است که برخلاف ادعای آصف‌الدوله بسیار بیش از یک نفر، مدعی رخ دادن چنین فاجعه‌ای در خراسان شده‌اند. پاسخ‌گویی از سر تیختر و تفرعن آصف‌الدوله به وزارت داخله (نه مستقیماً به مجلس شورای ملی) تنها به سبب هم‌گیری سخن گفتن از این فاجعه و آزردن شدن وجدان ملی در صفحه‌ی جراید و سطح ملی بوده است و اگر فاجعه چنین گسترده بازتاب نمی‌یافت، آصف الدوله بنای سخن گفتن در این باره را نداشت و از سکوت وی تا زمان احضارش به تهران و جدی شدن موضوع می‌توان دریافت که او با نادیده‌انگاشتن خشم و خروش مردم و سکوت در این باره نه تنها وقتی به افکار عموم نمی‌نهاد بلکه نسبت به مجلس نیز به عنوان نماینده‌ی رسمی مردم بی‌اعتنا بود؛ ضمن آن که نمی‌خواست با سخن گفتن آتش خودافروخته‌ی دختر فروشی را شعله‌ورتر کرده، خود نیز در آن بسوزد. آقا میرزا فضلعلی [یکی از نمایندگان در پاسخ به نامه آصف‌الدوله گفت]:

«یک مثلی معروف است که میگویند از بدهکار همین که مطالبه طلب نکردی طلبکار میشود حالا مسئله آصفالدوله است حال گذشته‌ها را صرف نظر کرده هیچ گویا خیال دارد چیزی هم از حکومت بجنورد گرفته شود.»^{۱۲}

محاكمه‌ی سالار مفخم

سرانجام در روز دوم جمادی‌الاول ۱۳۲۵، در روزنامه‌ی مجلس، خبرهای وزارت عدلیه اعظم، چنین گزارش شد:

در باب رسیدگی و اظهاراتی که مکرر از بسابت اسرای قوچان در مجلس محترم شورای ملی شده است بتاريخ یوم یکشنبه چهارم شهر جمادی‌الاول برای رسیدگی این کار شش نفر از منتخبین مجلس مقدس معین شده بوزارت عدلیه اعظم آمده با حضور وزیر عدلیه باتفاق ارای منتخبین قرار بر این داده شد که برای رسیدگی و مذاکرات این بحث... با حضور آصفالدوله و حاکم قوچان و بجنورد باین کار رسیدگی نمایند محض اطلاع و استحضار عموم اهالی این مختصر را اعلان میکند که هر کس اطلاعاتی و برهان صحیح داشته باشد در روز مزبور وساعت معینه بوزارت عدلیه حاضر شده اطلاعات خودش را اظهار نماید فی ۴ جمادی‌الاولی.^{۱۳}

در هفتم جمادی‌الاول ۱۳۲۵، رسیدگی به پرونده‌ی زنان باشکانتلو آغاز شد، در همین زمان روزنامه‌ی مجلس درباره‌ی اخبار محاکمه چنین نگاشت:

(اخبار وزارت جلیله عدلیه اعظم)

پنجشنبه ۷ جمادی‌الاول ۱۳۲۵ محاکمه جناب آصفالدوله و سالار مفخم در خصوص اسرای قوچان که طایفه‌ی یموت، در چهاردهم ماه رمضان ۱۳۲۳ برده بودند، در وزارت جلیله عدلیه اعظم شروع شد.^{۱۴}

بدین ترتیب از صورت محاکمه، فروش دختران قوچان پاک شد و نخستین گام برای فراموشی دختر فروشی در قوچان پیموده شد. در جلسه‌ی محاکمه‌ی آصفالدوله و سالار مفخم - که بهتر است گفته شود محاکمه‌ی سالار مفخم، چون این محاکمه مربوط به آصفالدوله نبود و اتهام‌های او مورد رسیدگی قرار نگرفت - فرمانفرما، وزیر عدلیه، محتشم السلطنه، معاون وزیر داخله، سالار منصور از اعضای وزارت عدلیه، عدالت السلطنه و ممتازالدوله رئیس هیئت مقتضی عدلیه، اقتدار الدوله و مطیع السلطنه دبیر مخصوص از سوی وزارت خارجه، آقا میرزا حسین خان مفتش کل عدلیه و شش نفر از نمایندگان مجلس نیز برای نظارت بر رویه‌ی عدلیه حضور یافتند. این افراد عبارت بودند از تقی‌زاده، وکیل‌التجار، آقا سید مهدی، آقا میرزا محمود خوانساری، آقا سید حسین بروجردی، آقا میرزا بابا وکیل قوچان. متهمان آصف الدوله و سالار مفخم و شاکیان علی و یوسف - که از یک سال و نیم پیش، برای بازگرداندن زنان اسیر طایفه‌ی خود به تهران آمده و متظلم شده بودند - نیز حضور داشتند. حضور علی و یوسف، شاکیان زنان باشکانتلو و عدم حضور شاکي خصوصی یا مدعی‌العموم برای دختر فروشی در قوچان، یکی دیگر از مراحل به باد فراموشی رفتن فروش آن دختران و نشان دهنده‌ی این بود که از نخست قرار نبود به اتهام‌های آصف‌الدوله رسیدگی شود.

گفتنی‌ست که شاکي خصوصی نداشتن فروش دختران قوچان از سوی فاعل به فعل این عمل (یعنی پدران دختران) - اگر چه فاعل غایبی هم آصف‌الدوله باشد - قابل فهم و پذیرفتنی‌ست اما آنچه موجب شگفتی می‌شود، سکوت درباره‌ی موضوع جنجال برانگیز دختر فروشی در قوچان است. موضوعی که ساعت‌ها، زمان مجلس را به خود اختصاص داد و اشک از دیدگان نمایندگان مجلس جاری ساخت، حتا در قالب پرسشی بی‌مبنا و اتهامی خرد در محاکمه مطرح نشد و برعکس موضوع اسارت زنان باشکانتلو، در این باره در محل نیز تحقیق و تجسس صورت نگرفت که پاسخ آن حاکی از درست یا نادرست بودن اتهام باشد، تنها سکوت

صورت پذیرفت و پی‌آیند آن نیز فراموشی. محاکمه به خواست وزیر عدلیه، با شرح رویداد، توسط شاکیان آغاز شد. آنان ماجرای به اسارت رفتن زنان، ایل باشکانتلو را چنین روایت کردند:

صبح چهاردهم شهر رمضان ۱۳۲۳ در ابه خودمان در محلیکه معروف است (بجنگا) بیخبر خوابیده بودیم.

قریب پانصد نفر سوار ترکمان با پانزده شانزده نفر اهالی بجنورد که راهنمای آن‌ها بودند بر سر ما تاختند و ماها غلظت از چادرها بیرون دودیم ما را گلوله باران کردند و چهار نفر را مجروح و دو نفر را مقتول نمودند و قریب شصت و شش نفر از ما و اهل قریه و کسان ما را به اسیری بردند رفتیم بحکومت قوچان و حکومت مرکزی خراسان متظلم شدیم کسی گوش نداد و بحکومت بجنورد هم اطلاع داریم چون خودش این اوضاع را فراهم کرده بود علاوه بر اینکه با ما همراهی نکرد بعضی را که بصرافت طبع حاضر شده بودند ممانعت کنند جریمه و حبس نمود از آصف‌الدوله جواب خواستیم اعتراف نمود که تمام این مراتب صحیح است و من مخصوصاً مأمور فرستادم و بطهران هم اطلاع دادم.

وزیر عدلیه - کلیه چقدر اسیر بردند و چند نفر کشته شدند و اسرا مرد بودند یا زن و اموال چه اندازه بودند. [۹]

ج: شصت و دو نفر اسیر بردند و اسرا پسر و دختر حتی طفل هم بردند و دوازده نفر را کشتند اما اموال مردها که کشته شدند زنها هم که اسیر شدند دیگر کسی نبود که مقدار مال را بداند.^{۱۵}

نکته‌ی قابل توجه در گفته‌های شاکیان این است که آنان وقتی برای نخستین بار برای عدلیه، رویداد را روایت می‌کردند؛ گفتند قریب شصت و شش نفر از ما را به اسارت بردند، و با آن که در

● شاکسی خصوص نداشتنِ فروشِ دخترانِ قوچان از سوی فاعل به فعلِ این عمل یعنی پدران دختران - اگرچه فاعل غایبی هم آصف‌الدوله باشد - قابل فهم و پذیرفتنی است.

آن هنگام در عدلیه، ذکر زن بودنِ اسیران بر پیروزی در محاکمه می‌افزود، آنان از گفتنِ جنسِ اسیران خود داری می‌کردند و تنها گفتند شصت و شش نفر از ما را... بعد که وزیر عدلیه پرسید اسرا زن بودند یا مرد، ابتدا پاسخ این بود که اسرا پسر و دختر و حتی طفل بودند و باز هم هیچ اشاره‌ای به زن بودنِ اسیران دیده نمی‌شود و در جمله‌ی پسین که شاکیان می‌خواهند اندازه‌ی اموال از دست شده را تخمین بزنند، می‌گویند «مردها که کشته شدند، زن‌ها هم که اسیر شدند دیگر کسی نبود مقدار مال را بدانند» در گفته‌های شاکیان، آشکارا گونه‌ای پرهیز از روشن نمودنِ جنسِ اسرا و زن بودنِ آنان دیده می‌شود - با این که همه بنابر گزارش‌های رسیده می‌دانستند که اسرا زن بوده‌اند - از این خودداری، پرهیز و اگرچه از نامودنِ جنسِ اسرا و احتراز از گفتنِ این که زنانِ ما را ترکمانان به اسارت بردند، شاید بتوان عدم حضور و شکایتِ پدرانِ دختر فروخته‌ی قوچانی را که فاعلانه دختر به اجانب فروختند - اگر چه در اثر فشار و سختگیری فاعل غایبی، آصف‌الدوله این کار صورت پذیرفته باشد - دریافت.

پس از پایان یافتنِ روایتِ شاکیان باشکانتلو، نوبت پرسش و پاسخ به آصف‌الدوله رسید. در این هنگام وزیر عدلیه از علی و یوسف (شاکیان) خواست تا بیرون بروند. سپس از آصف‌الدوله پرسید: در آنوقت که اسرای قوچان برده شد شما کجا بودید؟

آصف‌الدوله - بنده در مشهد بودم و خیر نشدم از این واقعه.

وزیر عدلیه - وقتیکه مطلع شدید چه کردید؟

آصف‌الدوله - وقتیکه خبر شدم بطهران تلگراف کردم.

وزیر عدلیه - از طهران چه خبر رسید؟

آصف‌الدوله - جواب آمد که رشید نظام را مأمور کرده فرستادم شما هم بصاحبان اسرا اطمینان بدهید من هم عین تلگراف را بردم بجهة رعایا.^{۱۶}

آصف‌الدوله در دفاع از خود و توجیه سهل‌انگاری و سست کرداری‌اش در استرداد

به‌هنگام اسرا می‌گفت:

«وقتیکه دو نفر مأمور از طهران بیاید و حکم از طهران شود بنده که نیاید مداخله بکنم.»

پس از آصف‌الدوله، سالار مفخم مورد پرسش قرار گرفت. او نیز در دفاع از خود، به‌هنگام خبردار نشدن و به محض خبر یافتن لشکر را به سوی ترکمانان گسیل کردن و سرانجام بدانان نرسیدن را برمی‌شمرد اما شاکیان در پاسخ او گفتند:

سالار مفخم... ششصد نفر سوارهای خودش را برد و چندی در آنجا خوابید و سیاحت کرد و بعد از آن مراجعت کرد.

در پایان جلسه‌ی نخست محاکمه، وزیر عدلیه از یوسف و علی پرسید:

کی به طهران آمدید و چند وقت است در طهران هستید؟

صاحبان اسرا - پارسال وقت درو بطهران آمدیم و از آنوقت تا حالا طهران هستیم.

وزیر عدلیه - خرج و مخارج شما از کجا میگذرد؟

صاحبان اسرا - تا عین الدوله بود عین‌الدوله میداد و بعد از آن قدری ملک داشتیم فروختیم و حال چندی‌ست فعلگی و عملگی میکنیم.

وزیر عدلیه فرمودند که سالار مفخم باید ماهی سی تومان باین دو نفر قوچانی بدهد و ماه گذشته را الان نقد بدهد.^{۱۷}

بعد وزیر عدلیه که مطابق معمول، آصف‌الدوله را از هر گونه جریمه و مجازاتی مستثنا می‌داشت، به یاد آورد که او هم در این ماجرا نقش و سهم عمده‌ای دارد، پس افزود:

نه اینکه آصف‌الدوله را از این کار معاف داشتیم خیر ولی عجلتاً سالار بدهد بعدها به آصف‌الدوله هم میرسیم.

در دومین جلسه‌ی محاکمه‌ی سالار مفخم تقی‌زاده به بیرون راندنِ شاکیان (علی و یوسف) به هنگام پرسش از متهمان (آصف‌الدوله و

سالار مفخم) اعتراض کرد:

طرفین را بفرومائید حاضر کنند زیرا که در محاکمه قانوناً باید طرفین یک‌دفعه وارد یک‌دفعه خارج شوند.

وزیر - بلی در موقع محاکمه چنین است که می‌فرومائید ولی اینجا فعلاً استنطاق است و برای استنطاق حضور یکی یکی لازم است.

تقی زاده - اگر محاکمه است باید طرفین حاضر باشند و اگر استنطاق است چرا وقت استنطاق قوچانها

آصف‌الدوله و سالار هر دو حاضرند ولی وقت استنطاق آصف‌الدوله و

سالار قوچانها را مرخص می‌نمائید. باید اساس تساوی همیشه در عدلیه ملحوظ باشد.

وزیر عدلیه - چشم بعد از این، این نکته ملاحظه می‌شود. قوچانها را حاضر کنید.^{۱۸}

در جلسه‌ی ۱۲ جمادی الاولی ۱۲۲۵، امیراعظم، والی استرداد توسط مفاخر الملک

التزامی مبنی بر بازگرداندنِ زنانِ اسیر باشکانتلو به وزارت عدلیه فرستاد:

«هر قدر اسیری که در میان طایفه‌ی دوجی... است بدون مسامحه و تعلل یا بزور یا بخریداری... بگیرم و تسلیم کارگزاران ایالت جلیله نمایم والا اگر بخواهم از این التزام خود نکول کنم خونم مالم راجع به دولت و حلال است و...»^{۱۹}

در میانه‌ی پرسش و پاسخ‌های محاکمه روشن شد که از آن شصت و اند زن اسیر شده، شماری در دوجی مانده‌اند و پس از گذشت یک سال و نیم شوهر و فرزند دارند و شماری نیز دست به دست فروخته می‌شوند.

در جلسه‌ی محاکمه‌ی ۱۵ جمادی الاولی ۱۲۲۵، رشید نظام، فرستاده‌ی عین‌الدوله، حاصلِ جست و جوی خود را چنین گزارش می‌کند:

«بنده که مأمور شدم رفتم شاهرود و در شاهرود حاجی امیر آخوری بود



طرح از گنجی دزیری

مرکتب این خلاف شده بدارالخلافه احضار کنند و آنچه لازمه مجازات است درباره آنها مجری دارند که بعد مرکتب این حرکات نشوند.^{۲۱}

سالار مفخم در پاسخ به این راپورت‌ها گفت: این نایب کارگذاری نوکر بود چون بیرونش کردم اینطور نوشته است.

سرانجام کمیسیون چهارم با این قرار پایان یافت که در جلسه‌ای خصوصی با حضور نمایندگان مجلس و وزیر عدلیه و آصف الدوله و سالار مفخم (یعنی با حضور متهمان و بدون حضور شاکیان) به قضایا رسیدگی شود. گفتنیست که پس از صدور رأی در روز چهارشنبه ۲۱ جمادی الاول، متنی حکم نهایی در ۵ شنبه ۲۱ جمادی الثانی یعنی ۲۰ روز بعد، در مجلس خوانده و در روزنامه‌ی مجلس منتشر شد.

در پایان کمیسیون چهارم تصمیم بر این شد که عجالاً تا صدور حکم نهایی، سالار مفخم در وزارت عدلیه محبوس شود و دربارهی آصف الدوله نیز سکوت شد و بار دیگر همچون پرداخت مخارج روزانه‌ی یوسف و علی (شاکیان باشکانتلو) - که قرار شد عجالاً سالار مفخم بپردازد تا بعد آصف الدوله - در این مورد نیز همین گونه رفتار شد و تا صدور حکم نهایی، سالار مفخم زندانی و آصف الدوله آزاد شد و به بییلاق رفت. حال پرسش این است که چرا پیش از صدور حکم نهایی، فقط سالار مفخم برای آن که نگریند، زندانی شد و آصف الدوله خیر؟

در روز شنبه سوم جمادی الثانی ۱۲۲۵، بار دیگر آقا میرزا محمود خوانساری، دربارهی دختران قوچان می‌پرسد:

«فقره‌ی دیگر درخصوص سالار مفخم است نوشته است من مقصر نیستم در صورتیکه در حضور شش نفر از وکلا محاکمات شد و تقصیر او مدلل گردید نمیدانم وزیر عدلیه بچه ملاحظه او را سیاست و مجازات نمیکنند و در خصوص آصف الدوله در باب فروش دخترها در عدلیه حاضر نمیشود با اینکه وزیر عدلیه گفتند نباید بییلاق بروید معذلتک رفته است.»

سالار مفخم در وزارت عدلیه، به تاریخ ۲۰ جمادی الاولی ۱۲۲۵، دو راپورت از نایب کارگذاری بجنورد قرائت شد:

مقرب الخاقان حاجی علی اکبر خان سرهنگ با هشت نفر غلام برای استرداد اسرا باشکانتلو که حکومت بجنورد عیناً بدست یاری سواره خودش به بیوت‌ها داده است وارد شد همینقدر عرض میکنم تا مسئله تعارف و رشوه در میان است استرداد اسرا خیلی اشکال دارد

* راپورت دیگر *

گرفتن اسرا بعقل قاصر من این طور میسر است که به سعدالله خان اگر الملک ایلیخانی استعداد داده شود ایشان را بالطف ملوکانه امیدوار کند تا آن دو نفر بقول اسراء را پس خواهند گرفت و حاکم بجنورد را که

نوکر سالار مفخم من به آن حاجی امیر آخور گفتم تو برو بجنورد من میروم میان ترکمان حاجی امیر آخور تلگراف کرد به سالار که فلانی میخواهد برود بیوت سالار نوشته بود نگذار برود من گفتم من باید بروم میان بیوت تحقیقات خودم را کرده مراجعت نمایم و از آنجا رفتم میان ترکمان در ایل قان یخمز که طایفه خودم بودند حاجی مهدی از طایفه دوجی آمد نزد من و تمام سردارهای بیوت را آورد نزد من آنها گفتند که ما بی‌جهت نرفتیم سالار [مفخم] بما گفت چون شجاع الدوله را آصف الدوله حبس کرده میخواهم کاری بکنم که او خلاص شود و...»

* راپورت از نایب کارگذاری بجنورد *

در کمیسیون چهارم تحقیق و رسیدگی اسرای قوچان و استتطاق از آصف الدوله و

تقی زاده - در خصوص آصف الدوله میگویند حاضر نمیشود و در این شهر نیست گمانم این است حاضر نشود بهتر است و اقتضای ما کمتر بجهة این که از پارسال که فرمان مشروطیت صادر شده نزدیک است بالمره مجازات از میان برود یک نفر را به مجازات نرسانید، چنانچه میبینیم پس از چند محاکمه و ثبوت تقصیر حالا میگویند تب کرده [سالار مفخم] و باید از او ضمان گرفت و او را رها کرد. در صورتی که مثل آفتاب روشن شده که ترکمن را دعوت کرده و مسلمان را به اسیری داده. میگویند سی هزار تومان بدهد با ضمان و خلاص شود و حال آنکه چندی قبل چهار هزار تومان می داد. حال معلوم نیست درباره او چه خواهد شد هنوز حکم علنی خوانده نشده و شرعاً و عقلاً مجازات او لازم است و باید قطع شئونات بشود. حالا به این ترتیب می خواهند او را خلاص نمایند... مخصوصاً دسته بندی کرده و محرک شده و سردارها اجماع کرده اند که نیکذاریم او مجازات شود اگر این طور پیشرفت حاصل نماید دیگر در این مملکت مجازات نمیشود با حدی داد هر صنفی این دسته بندی را میکنند. ۲۲

در ۱۲ جمادی الثانی ۱۳۲۵، ده روز پیش از علنی کردن حکم نهایی و قرائت و انتشار آن، مکتوبی به نام «حقیقت نگاری از عشق آباد» به مجلس رسید. نویسنده در آغاز نامه می گوید که بنابر خواست مجلس - مبنی بر این که هر کس از حال دختران و زنانی که در سرحدات خراسان فروخته شده و به اسیری برده اند مطلع است مجلس را آگاه کند - اقدام به نگارش این نامه کرده است. این نامه طولانی که در دو شماره روزنامه‌ی مجلس منتشر شد، در بخش نخست به اسیری زنان باشکانلو توسط ترکمانان، به دلیل قدرت طلبی آصف الدوله و تحریک سالار مفخم پرداخته است. نویسنده در بخشی نامه اش می نویسد:

از قرار مذکوره بیشتر از غنایم و قیمت زن و بچه بسردار مفخم و

مأمورین او رسیده و بعد از آنکه آصف الدوله از کیفیت واقعه مطلع شده کاملاً حق السکوت گرفته طایفه باشکانلو از تظلم بآصف الدوله و پسر و بستگانش فایده ندیده چند نفر از ریش سفیدان خودشان را بهزار مرارت از بی‌راهه بعشق آباد روانه و بتوسط کارپردازی ایران و وزارت خارجه تلگرافاً مراتب را بعرض درباریان رسانیدند... از اینها گذشته در اینمعدت دو سال ترکمانان با زنان و دختران البته رسم زناشویی بعمل آورده اند و همه قسم رابطه خانوادگی و خویشاوندی را با هم دارند»

بخش دوم نامه اختصاص دارد به فروش دختران قوچان در اثر سختگیری آصف الدوله در مالیات:

فصل دوم دایر بجهت برده فروشی قوچانیان [است]... آفات آسمانی و بلیات و زمینی قوچان را فراگرفته از یک طرف ناخوشی و با و آفت ملخ خوارگی - زلزله - سیل و غیره و... و... از طرف دیگر ظلم و تعدیات مالایطاق مالک المکی حکام جبار شداد ملک از قبیل شعاع الدوله و غیرهم و هزاران شدید بی‌وجه تا دوره دوم مالک الرقابی آصف الدوله میرساند اواخر سال ۱۳۲۱ آصف الدوله حسب المعمول مملکت خراسان و سیستان را از درباریان بمبلغ (۲۲۵) هزار تومان اجاره کرده با اعوان بدتر از شیطان و اردوی شاهسونی خود بمقر فرعونی نزول نمود به واسطه‌ی عدم اطمینان به بقا عمر حکومت خود... اسباب مداخل... زر خیز رشوه و... را فراهم آورد... پس از خریدن حکومت ملوک طوایفی و تعهد پرداخت رشوات دریافتی آینده این سگها هر یک بیای تخت سلطنتی خود مانند گرگان درنده هار ورود کردند از ساعت اول ورود بی‌پابند و افسار برگردن رعایا سوار تا در خانه رعیتی جل و پلاس و اثاث البیت و در پالونها و مزارع محصولات داشتند گرفته و چاپیدند سهمیه‌ی خودشان را برداشته مابقی را به

شجاع الدوله دادند او هم سهم خود را برداشت اضسافه را بتوسط رئیس‌التجار تقدیم آصف الدوله جزار نمود... برای پرداخت تحت باقی کتابچه محلی و مساعده سال نو بحکام جزو تأکیدات بلیغه می‌شود که هرچه زودتر وصول و بمركز ایالت ایصال دارند ابدأ عذری مسموع نیست حتی صریحاً می‌نویسیم اگر فرضاً خود و عیال و اطفالشان را فروخته‌اند باید مالیات دیوانی را بپردازند ۲۳

شگفتا که نمایندگان از این نامه نیز مانند سایر مکتوبها در گذشتند و جز در صحن مجلس و صفحات روزنامه‌ها، مسئله‌ی فروش دختران قوچان در جای دیگری، همچون وزارت عدلیه و هنگام محاکمه‌ی آصف الدوله مطرح نشد. پانوش:

- ۱) نک به مهری بهفر، حقوق زنان، شماره‌ی شش، زنان در دور نخست مذاکرات مجلس شورای ملی، ص ۴۳
- ۲) روزنامه‌ی مجلس، شماره‌ی ۸۰، ص ۳
- ۳) همان، ص ۴
- ۴) روزنامه‌ی مجلس، شماره‌ی ۸۰، ص ۳
- ۵) کسروی احمد، تاریخ مشروطیت در ایران، ج ۱، ص ۲۵۵
- ۶) روزنامه‌ی مجلس، شماره‌ی ۸۲، ص ۳
- ۷) کسروی احمد، تاریخ مشروطیت در ایران، ج ۱، ص ۲۸۳
- ۸) روزنامه‌ی مجلس، شماره‌ی ۸۸، ص ۲ و ص ۳
- ۹) روزنامه‌ی مجلس، شماره‌ی ۹۰، ص ۳
- ۱۰) روزنامه‌ی مجلس، شماره‌ی ۱۰۸، ص ۳
- ۱۱) روزنامه‌ی مجلس شماره‌ی ۱۰۹، ص ۳ و ۴
- ۱۲) همان.
- ۱۳) روزنامه‌ی مجلس، شماره‌ی ۱۱۶، ص ۲
- ۱۴) روزنامه‌ی مجلس، شماره‌ی ۱۲۲، ص ۱
- ۱۵) روزنامه‌ی مجلس، شماره‌ی ۱۲۴، ص ۴
- ۱۶) همان
- ۱۷) روزنامه‌ی مجلس، شماره‌ی ۱۲۵، ص ۴
- ۱۸) محاکمات، بقیه آصف الدوله و سالار مفخم در خصوص اسرای قوچان، ص ۳
- ۱۹) روزنامه‌ی مجلس، شماره‌ی ۱۲۶، ص ۴
- ۲۰) روزنامه‌ی مجلس، شماره‌ی ۱۳۲، ص ۲
- ۲۱) روزنامه‌ی مجلس، شماره‌ی ۱۲۸، ص ۲
- ۲۲) روزنامه‌ی مجلس، شماره‌ی ۱۳۶، ص ۲
- ۲۳) روزنامه‌ی مجلس، شماره‌ی ۱۴۶، ۱۴۷، ص ۳